

قدیانی:

نوشته‌هایم مصداق خوردن نمک و شکستن نمک‌دان نیست

فعال اصولگرا با انتشار متنی در تلگرام گفت: الساعه مسروم که حتی قدر یک دفتر هم مزاحم نظام نیستم و البته نوشته‌های اخیرم را هم مصداق خوردن نمک و شکستن نمک‌دان نمی‌دانم.

به گزارش سایت خبری پرسون، حسین قدیانی، فعال رسانه ای اصولگرا در یادداشتی نوشت:

در این قریب ربع قرن روزنامه‌نگاری هیچ وقت دفتر نداشتم ولی روزنامه‌دیواری حق از آن‌جا که صفحه‌بندی می‌شد و صفحه‌بند لازم داشت، دفتر هم می‌خواست. بر میدان پاستور یک خانه‌ی قدیمی بود که دو سالی دفتر کار من شد. نشانی‌اش سرراست‌ترین نشانی تهران بود: میدان پاستور، پلاک صد و یازده. خانه حیاط داشت و قدمت هم؛ هم‌سایه‌ها می‌گفتند اواخر زمان مصدق ساخته شده.

صرف‌نظر از بستن صفحات با وسواسی در حد جنون، کار مهم‌تر من در این دفتر کهنه، ویرایش مطالب نوقلم‌ها بود. از رعایت فاصله و نیم‌فاصله بگیر تا دقت روی مهندسی جمله. در حوزه‌ی محتوی هم من تا حد امکان از بچه‌ها خواستم که خودشان را مقید به قواعد مرسوم روزنامه‌نگاری در جناح انقلابی نکنند و این‌جور فکر نکنند که نوشتن از مارادونا کسر شأن ژورنالیست حزب‌اللهی است. از بچه‌ها خواستم که ادبیات را صدر سیاست بنشانند و رمان بخوانند و ان‌شاءالله در آینده رمان بنویسند.

گاهی در کانال تلگرام، ویس می‌فرستادم و رسماً داد می‌زدم سرشان که چرا جمله‌تان این همه «که» دارد. باری یکی از هم‌سایه‌های پاستور آمد دم دفتر که صدای ویرایش‌تان به گوش ما هم رسیده؛ فقط چرا این‌قدر حرص می‌خوری؟ گفتم به مطالب این بچه‌ها به چشم ناموس نگاه می‌کنم و دوست دارم متن به متن پیشرفت کنند. کراواتش را مرتب کرد و گفت گمانم از کودتای بیست و هشت مرداد به این طرف، اولین بار است که از این خانه‌ی تاریخی، صدای قصه بیرون می‌آید.

القصة! هفته‌ی پیش تماس گرفتند که صاحب‌خانه به شکل فجیعی کشیده روی اجاره‌خانه و ما هم دیگر از پشش برنمی‌آییم.

از رفقا اما هر که فهمید، گفت بشنو و باور نکن؛ داری تقاض مطالب اخیرت را پس می‌دهی. خودم قضاوتی ندارم. این را هم به قصد طعنه نمی‌گویم. واقعیتی است: تنها رابطه‌ی اداری من با جمهوری اسلامی همین دفتر بود. دفتری که در آن دو سال تمام مشق می‌نوشتم و دیکته می‌گفتم ولی هرگز عقاید درست یا غلط سیاسی‌ام را به بچه‌ها دیکته نکردم. من ابداً از بچه‌ها نخواستم مثل من فکر کنند؛ فقط خواستم فکر کنند. فکر کنند، بخوانند، بنویسند و قلم را جدی بگیرند. بلندی‌های بادگیر امیلی برونته را بخوانند و در نقدش بنویسند.

الساعه مسروم که حتی قدر یک دفتر هم مزاحم نظام نیستم و البته نوشته‌های اخیرم را هم مصداق خوردن نمک و شکستن نمک‌دان نمی‌دانم. جمهوری اسلامی اگر از درون نقد نشود، از همین درون می‌پوسد. خواستن هم‌زمان جمهور و جمهوری اسلامی جرم نیست؛ تلاش برای کاستن از خشونت است. کاش نظام، ما را درک کند؛ عوض آن‌که دشمن بپندارد. گفت: دفتر خوب و قشنگی داشتیم...